

ORIGINAL ARTICLE

نقد تئوری "عدم تأثیر پذیری نهضت ترجمه از بیت الحکمه" در کتاب "تفکر یونانی فرهنگ عربی" نوشته دیمتری گوتاس

The Critique Theory of "The Incompatibility of the Translation Movement from *Beit- al -Hikmah*" in the Book of "Greek Thought and Arabic Culture" by Dimitri Gutas

Kamran Mahlooji¹, Mahsima Abdoli^{2,3}

- 1- Department of History of History of Medicine, School of Persian Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
- 2- Research Institute for Islamic and Complementary Medicine, School of Traditional Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
- 3- Traditional Medicine and History of Medical Sciences Research Center, Department of History of Medical Sciences, School of Traditional Iranian Medicine, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran

Correspondence: Mahsima Abdoli; No 847, Ordibeheht St., Vahdat Eslami St., Hafiz St., Tehran, Iran;
mahsima.abdoli1@gmail.com

Abstract

The study of the impact of Beit Al-Hakma on the translation movement, is one of the most recent challenges faced by scholars in the history of the golden age of Islam. This challenge was first introduced in Iran with the translation of Dmitry Gutas's book, "Greek Thought, Arabic Culture", which published in 1998. The book denied the existence of a scientific center in the golden era of Islamic civilization, in which it deliberately directed the selection and translation of texts. He denies the existence of Bait al-Hikmah with the liberal democracy in American culture and the assumptions in which all the influential developments are influenced by the masses of people and the government does not play an important role. Gutas express some financial reasons and hardware states, which stimulate to organize a movement in the Islamic lands and led to the translation of texts. But there are many documents that discuss the extraterrestrial tendencies of Gutas's historiography, and this article illustrate these reasons for rejecting Gutas's theory.

Key words: Translation Movement, Beit Al-Hakma, Dimitri Gutas, Abbasid Caliphate, Persian Empire, The golden age of Islam

Received: 20 Sep 2018; Accepted: 20 Nov 2018; Online published: 25 Nov 2018

Research on History of Medicine/ 2018 Nov; 7(4): 209-216.

کامران محلوچی^۱
مه سیما عبدلی^{۲،۳}

- ۱- گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
- ۲- موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
- ۳- مرکز تحقیقات طب ایرانی و تاریخ علوم پزشکی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، مازندران، ایران

نویسنده مسئول: مه سیما عبدلی، تهران، خیابان حافظ، خیابان
وحدت اسلامی، ابتدای خیابان بهشت، پلاک ۸۴۷، ایران
mahsima.abdoli1@gmail.com



خلاصه مقاله

بررسی میزان تاثیر بیت الحکمه بر نهضت ترجمه، یکی از جدیدترین چالش‌هایی است که پیش روی محققین تاریخ دوران طلایی اسلام قرار گرفته است. این چالش نخستین بار در ایران، با ترجمه کتاب دیمیتری گوتاس^۱، به نام "تفکر یونانی، فرهنگ عربی"^۲ که در سال ۱۹۹۸ میلادی چاپ شده بود مطرح شد. در این کتاب وجود یک مرکز علمی در دوران طلایی تمدن اسلامی که در آن با جهت دهی آگاهانه اقدام به انتخاب و ترجمه متون بنماید را انکار کرده است. او با گرایشات لیبرال دموکراسی مندرج در فرهنگ آمریکایی و پیش فرض‌هایی که در آن تمام توسعه‌های تاثیرگذار تحت تاثیر بازار و یا توده مردم انجام می‌شوند و دولت در آن نقشی ندارد، نفی وجود بیت الحکمه را می‌نماید. گوتاس با ذکر دلایل منابع مالی و سخت‌افزاری، بیان می‌نماید که جنبش‌های خودجوش مردمی و محفلی در سرزمینهای اسلامی منجر به ترجمه این متون نموده‌اند. اما مستندات فراوانی وجود دارد که گرایشات برونگرایانه تاریخ‌نگاری گوتاس را دچار چالش می‌نماید و این مقاله این دلایل را برای رد نظریه گوتاس بر می‌شمارد.

واژگان کلیدی: نهضت ترجمه، بیت الحکمه، دیمیتری گوتاس، دموکراسی

مقدمه

در قرن‌های اولیه ظهور اسلام مصادف با به قدرت رسیدن خلفای عباسی تلاشی گسترده برای ترجمه متون مختلف از حوزه‌های علمی آن دوران به زبان عربی شکل گرفت که بعدها این مجموعه تلاشها را با عنوان نهضت ترجمه مخاطب قرار دادند.^۳ این دوران تا به اینجایی که مستندات تاریخی به ما اجازه می‌دهد پیش از این و پس از آن در طول تاریخ هیچ‌گاه متحقق نشده است که حجم عظیمی از دانش بشری را در یک بازه زمانی محدود از یک زبان به زبان دیگری ترجمه گردد. و یک زبان علمی نوین پایه‌ریزی نمایند. گوتاس در مقدمه کتاب خود معتقد است که اولین بار اعضای "انجمن سلطنتی علوم"^۴ در گوئینگن^۵ یک درخواست رسمی را در سال ۱۸۳۰ میلادی ثبت کردند تا برای مطالعه این دوران مجموعه‌ای کتب مرجع از ترجمه‌ها سریانی، عربی، ارمنی، فارسی از نویسندگان یونانی فراهم آورده شود. این گامها در کنار تحقیقات تاریخ‌شناسان مختلف افقهای جدید را پیش روی تاریخ‌نگاران گشود که کارهای مایر هوف فواد سزگین و... دیمیتری گوتاس و گرهارد آندرس در این چهارچوب قرار می‌گیرد.^۶ در اغلب تحقیقات خصوصاً آثار مایر هوف نام نهضت ترجمه با بیت الحکمه ارتباط تنگاتنگی دارد، کار گوتاس به نوعی فاصله‌گذاری بین این دو محسوب می‌شود.

گوتاس نهضت ترجمه را منبعث از یک ایدئولوژی زرتشتی دانست که ریشه‌های آن در حکومت ساسانی شکل گرفته است. اما آن را بیش از آنکه یک نهاد تاثیرگذار بر نهضت ترجمه قلمداد کند بک کتابخانه سلطنتی که محل جمع‌آوری متون مختلف بود می‌دانست و هرگونه فعالیت دیگری اعم از مباحثه، ترجمه، استخدام دانشمندان و مترجمین و... را نفی می‌کرد. پی‌روانندیشه‌های مندرج در کتاب گوتاس، یونس کرامتی در دایره‌المعارف اسلامی در مدخل بیت الحکمه یک گام جلوتر برداشت و کلا وجود این نهاد را بادیده شک‌نگریست.^۷ این در حالی است که به نظر می‌رسد برای وجود یک نهاد ترجمه با عنوان بیت الحکمه دلایل کافی وجود دارد. برای بررسی دیدگاه گوتاس پیرامون بیت الحکمه ابتدا به معرفی دیدگاه او پیرامون دوران نهضت ترجمه می‌پردازیم و پس از آن ایرادات وارده بر آن را بر می‌شماریم.

دیدگاه گوتاس پیرامون بیت الحکمه

معرفی گوتاس

گوتاس که متولد ۱۹۴۵ بوده، استاد زبان و ادبیات عرب از دانشگاه ییل در ایالات متحده آمریکا است.^۸ او کتابهای ادبیات کلمات قصار و ضرب‌المثل‌های یونانی در زبان عربی^۹ را در سال ۱۹۷۵، ابن‌سینا و روش ارسطویی^{۱۰} را در سال

- 1- Dimitri Gutas
- 2- Greek Thought, Arabic Culture
- 3- Mugui, 2014; 9(35): 1-33.
- 4- Royal Society of Science
- 5- Gottingen
- 6- Gutas, 2011: 3.
- 7- Keramati, 1997: 247.
- 8- Anonymous, 2018, available at: <https://nelc.yale.edu/people/dimitri-gutas>
- 9- Greek Wisdom Literature in Arabic Translation
- 10- Avicenna and the Aristotelian tradition



۱۹۸۸، فرهنگ لغت بزرگ یونانی عربی^{۱۱} را به همراه گرهارد اندرس در سال ۱۹۹۲ و کتاب سوگیری فلسفه ابن سینا^{۱۲} را در سال ۲۰۱۴ به رشته تحریر در آورده است. در تئوری نفی بیت الحکمه که گوتاس آنرا در کتاب فرهنگ عربی دانش یونانی مطرح می سازد می توان سه دوره این نهضت تاریخی را از یکدیگر متمایز کرد.

۱- جنبش ترجمه با گرایشات شعوبی که توسط ایرانیان برای احیاء هویت خودشان صورت گرفت.

۲- دوران دوم که به سفارش حاکمان برای تبیین ایدئولوژی حکومتی صورت گرفت و مبتنی بر نجوم بود.

۳- دوران سوم که بیشتر از زمان مامون آغاز میشود که متون مختلف علمی و فلسفی وارد تمدن اسلامی شده است.

هر سه این دوران در یک چتر ایدئولوژیک ساسانی و در بستر اندیشه موبدانی که معتقد بودند تمام اندیشه های بشری در اصل تفسیری از اوستا است تکوین یافته است و اصولاً خارج از ساختار اداری بیت الحکمه بوده است. این متن سعی دارد نظریه گوتاس را ارزیابی نماید.

در سال ۱۴۵ هجری قمری، در زمان منصور خلیفه دوم عباسی و به راهنمایی خالد بن برمک ایرانی، نقشه ی بغداد را مهندسان ایرانی طراحی کردند و آن را نزدیک یکی از آبادی های قدیم ایران به نام بغداد، به معنای شهر خدا، ساختند. تعیین ساعتی خوش یمن برای آغاز کار نیز به دو تن از اخترشناسان ایرانی، نوبخت و ماشا الله، گذاشته شد. نام این شهر نیز ریشه ایرانی دارد و از واژه بگه داته به معنای خداداد گرفته شده است. برخی نوشته اند در ساخت برخی بناهای حکومتی از مصالح برجای مانده از کاخ های تیسفون بهره گرفتند. اما گوتاس نقش دانشمندان مورد حمایت حکومت را در معماری اندیشه اسلامی تا همین حد می داند و معتقد است هیچ حمایت حکومتی برای تاسیس یک مرکز علمی و تخصصی ترجمه به وجود نیامده و متون ترجمه شده در این دوران بطور خود جوش توسط مردم و دانشمندان ترجمه و تالیف شده است. او در کتاب خود در طی ده صفحه به چهار دلیل عمده برای رد وجود یک نهاد حکومتی برای بیت الحکمه می پردازد.

۱- بیت الحکمه از نظر لغوی برگردان اصطلاحی است که ساسانیان برای کتابخانه وضع کرده بودند و با توجه به منبع ایدئولوژی نهضت ترجمه که یک اندیشه زرتشتی است دلیل وجود ندارد که بیت الحکمه مکانی بیش از یک کتابخانه معادل آن چیزی باشد که در حکومت ساسانی وجود داشته است.

۲- دلایل وجود بیت الحکمه به عنوان یک نهاد که با هدف راه اندازی یک نهضت ترجمه به کار گرفته شده باشد چندان قاطع نیست.

۳- در آثاری که ما انتظار داریم تاکیدات محکمی بر وجود بیت الحکمه در آنها ثبت شده باشد اثری از یادآوری به چشم نمیخورد. به طور مثال حنین در آثاری که ترجمه کرده است اشاره ای به بیت الحکمه نکرده است. پس میتوان نتیجه گرفت که بیت الحکمه محلی نبوده که او به عنوان یک کار روزانه به آنجا مراجعه کرده باشد.

به نظر می رسد گوتاس که پرورش یافته در نظامهای لیبرالیستی غرب است با پیش فرضهای نئولیبرالیستی مندرج در نظام آموزشی آمریکا سعی دارد نقش دولت را در هدایت جریانهای اقتصادی و علمی انکار نماید. در اندیشه های لیبرالیستی هرگونه دخالت دولت در جامعه نتایج نامناسبی را به وجود می آورد به همین دلیل اگر یک جریان تاثیر گذار در یک جامعه ای به وجود می آید می بایست آنرا با دیده شک نگریست و گوتاس در اینجا با ارائه یک راهکار سعی می کند با انکار وجود بیت الحکمه بالکل وجود یک جریان سفارشی برای فرآیند ترجمه و تالیف را انکار نماید. اما این دیدگاه گوتاس چندان به مذاق محققان اسلامی خوش نیامده است کرامتی در مورد نظر گوتاس مینویسد که:

"گرچه به حق [گوتاس] دیدگاهی مورخان پیشین را مبالغه آمیز خوانده، اما در این راه به تفریط گراییده است. وی مسئله بیت الحکمه را از همان دیدگاهی که سراسر کتاب بدان پای بند بوده، یعنی (پیروی صرف منصور و جانشینانش از پادشاهان ساسانی) بررسی کرده، و در نتیجه بدون ارائه دلایل معتبر حتی برخی شواهد قابل قبول را نیز انکار کرده و سرانجام با رد احتمال ترجمه آثار یونانی در



بیت الحکمه و آنجا را مرکز ترجمه آثار پهلوی به عربی دانسته است.¹³ کرامتی، بکر بودن نظر گوتاس را هم رد می کند و معتقد است که ایده اصلی پی روی عباسیان از ساسانیان را پیش از این توسط بسیاری از محققینی مانند مقاله بالتی گودسدن¹⁴ ارائه شده است کرامتی وجود بیت الحمه را غیر قابل انکار می داند هر چند تاثیر آنها بر نهضت ترجمه معتبر نمی داند. او در پاراگراف آخر مدخل بیت الحکمه می نویسد:

"از آنچه گذشت می توان گفت که بر اساس شواهد معتبر بیت الحکمه یا خزانه الحکمه کتابخانه ای بوده که در روزگار هارون الرشید، دست کم پیش از نابودی برمکیان در ۱۸۷ ق وجود داشته، در اواخر روزگار مامون، جلسات مناظره، گاه با شرکت خلیفه نیز در آن برگزار می شده .. بیت الحکمه هیچ نقش مستقیمی در نهضت ترجمه نداشته است.¹⁵ البته کرامتی بعید نمیداند که در عصر هارون و مامون از کتابهای آن بهره برده باشند.

منتقدان گوتاس محدود به نظرات کرامتی در مدخل بیت الحکمه نمی شود و سید ابوتراب سیاهپوش نیز در کتاب "بیت الحمه و نقش آن در تحول علوم و پیشرفت تمدن اسلامی" نقدهایی بر نظریه او وارد کرده اند.¹⁵ اما به نظر می رسد نقدهای جدی تری نیز بر این دیدگاه وجود دارد که ذیل به چند مورد آن اشاره می نمایم:

۱- گوتاس متقد است که کلمه بیت الحکمه ترجمه یک به یک کلمه کتابخانه در زبان ساسانی است. او از این موضوع نتیجه می گیرد که اینجا فقط یک کتابخانه بوده است. اما باید در نظر داشت که در آن زمان مردم عرب زبان برای کتابخانه از عنوان خزائن الکتب استفاده می کردند. علاوه بر آن ما شاهد نامهایی مانند خزانه البوکر و... برای معرفی کتابخانه های اختصاصی نیز هستیم. سوالی که پیش می آید این است که اگر محلی برای نگه داری کتب و رسائل وجود دارد چرا باید برای نامیدن آن از واژه ای ناموس استفاده کنند. مگر آنکه "بیت الحکمه" نام یک مرکز خاص بوده و احتمالاً ویژگیهایی به جز کتابخانه نیز داشته است. باید در نظر داشت که این نام پس از آن به هیچ کتابخانه ای اطلاق نشد. همچنین به این نکته هم باید اشاره کرد که بیت الحکمه توسط دانشمندان ایرانی مستقر در جندی شاپور بنا نهاده شد و نمی توان نقش ایرانیان را در تکوین بیت الحکمه انکار نمود.¹⁶

۲- نکته بعدی سهوی است که گوتاس در رهبری نهضت ترجمه دچار آن میشود. او به ایدئولوژی ساسانی هدایت گر نهضت ترجمه اشاره میکند و مستندات قابل قبولی هم برای کار خود ارائه می نماید جالب اینکه به در کتاب خود شخص شاه را هدایت گر این جریان می داند چون نمی تواند تصور کند این جریان بدون هدایتگری در این حد و اندازه ممکن است متحقق گردد اما در دوران اسلامی به سادگی از این موضوع گذر می کند و آنرا نتیجه کار عده ای علاقه مند به حکمت یونانی بر می شمرد. مشخص نیست که چرا در دوران ساسانی شخص شاه می تواند هدایت کننده یک جریان ترجمه علمی بزرگ باشد، اما در دوران حکومت اسلامی از دید گوتاس این امر غیر ممکن به نظر می رسد، کما اینکه در دربار حکومت عباسی خانوادهایی فعالیت های سیاسی و اجتماعی را هدایت می کنند که از همان افرادی است که در نظام ساسانی ایران را اداره می کردند. نکته بسیار مهمتر این که خلیفه های عباسی انگیزه های لازم را برای ورود سازمان یافته به نهضت ترجمه داشته اند چیزی که شاید شاهان ساسانی فاقد این انگیزه ها بودند. کارل هانریش بکر¹⁷ اسلام شناس آلمانی¹⁸ معتقد است که نهضت ترجمه در عمل به دلیل این بود که اسلام هم از لحاظ دینی و هم از لحاظ سیاسی مورد تعرض جدی با تفکر گنوسی قرار گرفت، لذا اسلام رسمی مجبور شد از تفکر یونانی و فلسفه ضد گنوسی آن برای مقابله با این جنبش های گسترده کمک بگیرد. بکر شور و علاقه مامون را برای ترجمه این آثار با توجه به جنس آثار ترجمه شده در دوران او را متاثر از این جریانات می داند.¹⁹ حال چطور ممکن است که انگیزه ای به این قدرت وجود داشته باشد، منابع سرشاری به این امر اختصاص یابد، و تقریباً یک یکدستی هم در به کار گیری واژگان معادل یونانی وجود داشته باشد بعد هیچ مجموعه هماهنگ کننده برای این جریان تاریخی عظیم به وجود نیاید. نباید از نظر دور داشت که خلیفه های دوران اسلامی یک مانع هم برای ترجمه آثار داشتند،

13- Keramati, 1997: 247.

14- Balty Guesdon

15- Siahpoosh, 2011: 123.

16- Moslehi Shad, 2010; 1(2): 105-112.

17- Becker

18- Hushangi, 2014: 1586.

19- Anontmous, 2018, Available at: <http://wikifeqh.ir/نهضت ترجمه>.

- 20- Hashemi, 2014;46(4):51-57.
 21- Siahpoosh, 2011: 123.
 22- Rab-baita
 23- Pigolevskaia, 2003: 489.
 24- Pigolevskaia, 2003: 490.

ترجمه آثار یونانی می توانست موجب ورود و به رسمیت شناختن فرهنگ بیگانه خصوصا رومی که مدام با آن در حال کشمکش بود شود. پس می توان نتیجه گرفت که یک دلیل جدی برای ترجمه این آثار وجود داشته است.

۳- یکی دیگر از نکاتی که این محققان آنرا نادیده می گیرند فرایند تاریخ نگاری در دو قرن ابتدایی اسلام است. هم کرامتی و هم گوتاس، از کم بودن مستندات در باب وجود بیت الحکمه گله می کنند اما باید در نظر داشت که در دو قرن ابتدایی اسلام اصولا تاریخ نگاری مناسبی وجود نداشت. غزالی می گوید که اولین روایت ها از سال ۱۲۰ هجری ثبت شده است که اغلب ناکارآمد نیز می باشند. بر همین مبنا مستندات مناسبی برای تاسیس مراکز اداری خلیفه ها هم در دسترس نیست. در باب خزانه و محل قرار گیری آن مالیات محل استقرار قشون و... اما اینها به دلیل فقدان تاریخ نگاری نیست. با توجه به این موارد مستندات اندک در باب بیت الحکمه بسیار قابل توجه می نماید.

۴- نقد بعدی متوجه انتخاب هدایت شده کتب برای ترجمه است. این تئوری را با نام نظریه اسکوپوس در نهضت ترجمه بغداد می شناسند. رعایت اصول علمی در فرایند ترجمه، تنوع متونی که تحت ترجمه قرار گرفته اند از شاخصه های نهضت یا «مکتب ترجمه بغداد» است. نظریه اسکوپوس یا هدفمندی در ترجمه نیز که نخستین بار در اواخر دهه هفتاد میلادی از سوی هانس ورمیر مطرح شد، از مهم ترین نظریات کارکردگرا در حوزه مطالعات ترجمه به شمار می رود. مهمد رضا هاشمی و همکارش در این باره می گویند:

"در این نظریه، هدف نقش عمده ای در جهت دهی به کنش ترجمه ایفا می کند؛ تا آنجایی که شکل نهایی ترجمه در متن مقصد تابع هدفی است که برای آن در نظر گرفته شده است. در این نظریه، بحث «سفارش» برای نخستین بار مطرح می شود و مخاطب اهمیت ویژه ای در تصمیم گیری های مترجم پیدا می کند. در مقاله حاضر، نهضت ترجمه بغداد با توجه به شاخص های نظریه هدفمندی بررسی شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد موارد مطرح شده در نظریه هدفمندی نمود بارزی در نهضت بغداد داشته اند"²⁰

نویسنده کتاب "بیت الحکمه و نقش آن در تحول علوم و پیشرفت تمدن اسلامی"²¹ درباره اهداف بیت الحکمه، اینکه عده ای جریان ترجمه را از بیت الحکمه جدا می دانند را منتفی دانست و دلیل آنرا جمع آوری کتب و منابع علوم باستانی از روم توسط دانشمندان و متصدیان بیت الحکمه نظیر حجاج ابن مطر، ابن بطریق، سلما، متصدی بیت الحکمه و چند تن دیگر، به دستور مامون عباسی انجام شد و همه آنها ترجمه شد. مثال عکس آن هم وجود دارد در کتب بقراتی دو جزوه وجود دارد که تاثیر آب، هوا و جغرافیا بر سلامتی انسان می پردازد، اندیشه های مندرج در این کتب هیچ گاه مورد توجه مترجمان قرار نگرفت و به همین دلیل هیچ گاه به شکل بیکره ای وارد تفکر جهان اسلام نشد در صورتی که تاثیر آب و هوا بر سلامتی سربازانی که برای کشور گشایی مدام در سفر بودند یک امر الزامی بود. بنا بر این به نظر می رسد انتخاب کتب و تداوم ترجمه ها و تالیفات تحت تاثیر کسانی بود که این مکان را اداره می کردند و حتی اگر نظر یونس کرامتی را در استفاده مترجمان از این کتابها محدود کنیم باز هم متوجه می شویم دلیلی برای جدایی نهضت ترجمه و بیت الحکمه نمی توان متصور شد.

۵- دلیل دیگر وجود الگوهای مختلف مراکز تدریس و ترجمه در همان دوران است. در همین دوران مراکز آموزشی مختلفی با ذکر نام بیت در عنوان خود به کار ترجمه و تدریس در سرزمینهای اسلامی مشغول بوده اند. به طور مثال آکادمی نصیبین یکی از این موارد است. این آکادمی واجد آیین نامه هم بوده که در زمان پادشاهی قباد در سال ۴۹۶ به رشته تحریر در آمده و طی سالهای متناهی اصلاح و بهبود یافته است. این آکادمی با نام رب البیت²² اسم برده شده است.²³ پیکولوسکایا در کتاب "شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان" مفصلا به این مرکز علمی طلاب، نظام ترجمه، سیر تحول بندهای اساستنامه این آکادمی در سالهای مختلف، حمایت مالی و... پرداخته است.²⁴ تصور الگوی این نهضت به قول گوتاس از ایدئولوژی ساسانی بوده است و در نظام ساسانی ما واجد آکادمی های مختلف بوده ایم که بسیاری از آنها همچنان حضور داشته اند، بعد در مرکز امپراطوری اسلامی هیچ بهره ای از این الگوها نبرند و مترجمان مختلف مانند



- 25- Ibn Moghafa.
 26- Shiroodi, 2004: 132-162.
 27- Dahl, 2010: 48.
 28- Owen, 2007, 88: 135-142.

قسطا ابن لوقا فقط به دلیل امکان تصادفی حمایت مالی یکی از خیرینی که نمی شناسند به او به بغداد سرازیر شوند، بسیار بعید می نماید. چطور وزیران برمکی و مشاوران نوبختی این نهال آموزشی را به خلفای خود معرفی نکرده اند در صورتی که ما شاهد حجم زیاد آثار به دست آمده این دوران می باشیم.

۶- بی توجهی به آثاری که پیش از حنین ترجمه شده بود برای وجود مستندات بیت الحکمه نیز یکی از مواردی است که می توان به آن اشاره کرد. یکی از این آثار کتاب "المنطق لابن المقفع حدود المنطق لابن بهرین" است که با مقدمه و تصحیح محمد دانش پژوه در دسترس قرار گرفته است.²⁵ در این کتاب آمده است:

"ترجمه کتابهای سه گانه منطق با ترجمه محمد عبد الله بنمقفع به پایان رسید. او این آثار را پس از ابو محمد نوح نویسنده نصرانی ترجمه کرد. پس از ابونوح، صاحب بیت الحکمه آنها را برای یحیی بن خالد برمکی ترجمه کرد و....."
 ۷- گردش مالی عظیم در حوزه ترجمه یکی از دلایل دیگر لزوم یک مرکز که بتواند سنجش این فعالیت را ارزیابی کند را الزامی می نماید. بر طبق نظر خود گوتاس، بنوموسی ماهیانه ۵۰۰ دینار برای ترجمه تمام وقت می پرداخت او محاسبه میکند تا نشان دهد این پول معادل بیش از دو کیلو گرم طلا است. بنوموسی یک از مدیران کلیدی بیت الحکمه بوده که هم به جمع آوری کتب می پرداخته، هم به جذب مترجمان و هم نظارت بر کتب ترجمه شده اشتغال داشته است. او تحصیل کرده بیت الحکمه است. ورود او به بیت الحکمه با مرگ موسی بن شاکر در زمان خلافت مأمون رخ می دهد، بنوموسی که خردسال بودند تحت سرپرستی مأمون به فراگیری علوم در بیت الحکمه پرداخت. جالب اینجاست که گوتاس در مدخل بیت الحکمه در دایره المعارف اسلام چاپ لیدن خود، به پذیرش بنوموسی توسط مأمون در بیت الحکمه اشاره می کند.

مجموعه دلایل بالا نشان می دهد که پیش فرض های لیبرالیستی گوتاس در تفسیر تاریخ دوران اسلامی ناشی از عدم شناخت او از این جوامع صورت پذیرفته است. هرچند این اشتباه موجب انکار اهمیت کتاب او در تبیین جدید از دوران طلایی اسلامی نمی شود.

زمینه های لیبرال دموکراسی در تفکر گوتاس

دموکراسی، به عنوان یک واژه ترکیب یافته از دو کلمه *Demos* به معنی مردم و *Kratein* به معنی حکومت کردن است که در نهایت از آن می توان معنای حکومت به وسیله مردم را استنباط کرد. دموکراسی در یک تعریف عمومی به معنی، شیوه زندگی گروهی است که در آن، مردم برای مشارکت های اجتماعی، آزادانه از فرصت ها و شرایط یکسان و مساوی برخوردارند. از منظر سیاسی، دموکراسی، تلاشی است برای حصول فرصت برای مشارکت آزادانه شهروندان در ساختار تصمیم سازی سیاسی.²⁶ چنین تعریفی از دموکراسی بر برابری انسان ها، قانون، حاکمیت مردم تاکید، بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسانی استوار است. لیبرال دموکراسی یکی از گرایشات دموکراسی است که در غرب گسترش یافت، در یک نگاه کلی می توان گفت که غرب با پشت سر گذاشتن دموکراسی رایج سده های قبل از قرن ۱۷ و لیبرالیسم کلاسیک قرن ۱۸ در اواخر قرن ۱۹ پا به عصر و عرصه لیبرال دموکراسی نهاد، و در دهه آخرین قرن ۲۰، با افول دولت های لیبرالی و رفاهی به نئولیبرالیسم رسیده است.²⁷ امریکا به عنوان یک استراتژی کلی سعی در اشاعه تئوری "لیبرال - دموکراسی" و به تازگی "نئولیبرالیسم" دارد.²⁸ به نظر می رسد این توسعه با نظریه گوتاس در غالب تاریخ هم خود را نمودار ساخته است. نیت خوانی کار گوتاس موضوع پیچیده ای است و باید با دقت آنرا بررسی کرد اما به نظر می رسد یا گوتاس ناآگاهانه بدون درک شرایط جامعه اسلامی در قرن سوم هجری سعی می کند که دیدگاه های لیبرال دموکراتیکی که خود در آن پرورش یافته است را در آن جامعه لحاظ نماید و یا آگاهانه و راستای سیاست اشاعه "لیبرال دموکراسی" و نئولیبرالیسم " امریکایی این دیدگاه را در تاریخ نگاری دوران اسلامی وارد سازد. آسیب شناسی این دیدگاه و تاثیرات مخربی که این اشتباه واضح تفسیری بر تاریخ نگاری دوران اسلامی وارد می کند موضوع مقاله جداگانه است. به نظر نگارندگان این مقاله احتمال دوم ضعیف



است و احتمالاً گوتاس ناآگانه و تحت تاثیر ناخودآگاه بدون درک شرایط جامعه اسلامی آن دوران دچار این اشتباه گردیده است.

نتیجه گیری

دیمیتری گوتاس به دلیل پرورش در فرهنگ "لیبرالی - دموکراسی" سعی می کند پیش فرض هایی را در شناخت جامعه اسلامی لحاظ نماید که جوامع نامبرده فاقد آن می باشند. او که سعی می کند وجود یک نهاد ترجمه به نام بیت الحکمه را در تاریخ مسلمین شبیه به یک افسانه توصیف نماید و وجود یک جریان آگاهانه و هدفمند را که موضوعات ترجمه را محتوایی انتخاب می کرده را انکار نماید. شاید یکی از دلایل این اشتباه عدم درک دقیق نقش برجسته ایرانیان در توسعه نهضت ترجمه توسط گوتاس باشد. نقشی که ایرانیان در پیش برد این حوزه داشته اند انکار ناپذیر است. تئوری او فرض را بر این اصل استوار می سازد که مردم قرن سوم هجری بدون اینکه تصویری پیرامون دانش یونانی داشته باشند در فرآیند خودجوش و صرفاً به دلیل علاقه به "علم از نوع یونانی" اقدام به انتخاب، تهیه و ترجمه کتابهای یونانی کرده اند. اما مستندات نام برده شده در متن مقاله نشان می دهد که گفتار گوتاس بر اصول نادرستی بنا شده است.

References

- Anonymous. *Dimitri Gutas*. New Haven: Yale university. Available at: <https://nelc.yale.edu/people/dimitri-gutas>. Accessed in 2018.12.12. [in Persian]
- Anontmous. [*Nehzate Tarjome*]. Wiki Feghh. Available at: http://wikifeqh.ir/نهضت_ترجمه. Accessed in 2018.12.12. [in Persian]
- Dahl RA. *About Democracy*. Tehran: Cheshmeh, 2010. [in Persian]
- Gutas D. *Greek Thinking of Arabic Culture*. Translated by Salar Behzadi. Tehran: Forozan Roz, 2011. [in Persian]
- Hashemi MR, Heidarpour A. Study of the Scopus Theory (Purpose) in the Translation of the Baghdad Movement. *Motaleate Zaban va Tarjome*. 2014;46(4):51-57. [in Persian]
- Hushangi L, Henrich BC. *Encyclopedia of the Islamic World*. Vol. 3. Tehran: Center for the Encyclopedia of the Islamic World, 2014: 1586. [in Persian]
- Ibn Moghafa. *The Libyan Ministry of Culture: Around the World*. Tehran: The Society of Philosophy and Philosophy of Iran, 2002. [in Persian]
- Keramati Y. Beit Al Hikmah. *Islamic Encyclopedia*. Vol. 1. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center, 1997: 247. [in Persian]
- Moslehi Shad I. Jundishapur University. *The Journal of Traditional Medicine of Islam and Iran*. 2010; 1(2):105-112. [in Persian]
- Mugui D, Salehi A, Ebrahimi. The role of scientific centers in the translation movement (before Islam until the early centuries of Islamic rule) from the first to fourth century. *Ah Magazine*.



2014; 9(35): 1-33.

Owen JM. Emission of Democracy: Yes or No ?. Translated by Vice-chancellor for research and science production . *Negarashe Rahbordi*. 2007; 88: 135-142. [in Persian]

Pigulevskaia NV. Shahrhaye Iran dar Roozegare Partian va Sasanian. Translated by Reza E. Tehran: Entesharate Elmi va Farhangi, 2006. [in Persian]

Shiroodi M. [*Liberal Democracy dar Boteye Naghd*]. *Heson* 2003; 2: 132-162. [in Persian]

Siahpoosh A. *Beit-ul-Hikmah va Naghse aan dar Tahavole Ulom va Pishrafte Tamadine Islami*. Tehran: Pajooheshgahe Ulom va Motaleate Farhangi, 2011. [in Persian]

